Quarterly Journal of Historical Studies of Islamic World

Al-Mustafa International University

ISSN: (P) 2383-1944 (E) 2783-2309 Vol.11 , No. 27 Autumn 2023

Investigating the political and economic goals in the formation of relations between England and the Ottoman Empire in the second half of the 16th century

Khalil Salehi[1] | *Hamid Hajianpour (Corresponding Author)*[2]

(DOI): 10.22034/MTE.2023.15617.1698

Original Article

P 7 - 25

Abstract

The stoppage of the advance of the Ottoman Turks at the gates of Vienna during the period of Sultan Suleiman and the defeat in the Battle of Lepanto during the period of Selim II showed that extensive advances in Europe had stopped, so the Ottoman authorities decided to consolidate diplomatic relations with some European countries during the reign of Murad III which Special attention was paid to England as a growing nation. Simultaneous with the reign of Murad III, in England, Elizabeth I paid special attention to the Eastern countries such as Safavid Persia, Russia, and the Ottoman Empire and Among these powers, the Ottoman Empire had a special position and the first efforts were made to establish political relations with this empire.This article, using a descriptive-analytical method and using library sources, seeks to investigate the internal and external goals that the Ottoman Empire and England pursued during the early period of relations, especially how European issues and internal developments of these countries were effective on the formation of these relations. The importance of this research is that it examines the formation of relations between one of the last and largest Islamic empires, the Ottoman Empire with England which later played a significant role in the developments of the Islamic world.The findings of the research indicate that the Ottoman Empire saw England as a means to achieve its political goals, such as increasing religious conflicts in Europe, destroying the union of Christian states, an ally against Hapsburg Spain and providing materials needed by the imperial military industries. On the other hand, the English court considered the Ottomans to be the only superpower capable of confronting Spain, and also, by opening relations with the Ottomans, the English business associations could supply English goods in the vast territory of the empire and have access to the trade routes of the East, such as the Silk Road.

Key words: Ottoman, England, Murad III, Elizabeth I, diplomatic relations, Europe.

1. PhD Candidate of History, Shiraz University, Iran. Email: salehi25history @gmail.com

2. Associate Professor, Shiraz University, Iran. Email: hhajianpour@yahoo.com

Received: 2023/04/02 | Accepted: 2023/07/10

This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | http://creativecommons.org/licenses/by/4.0

مطالعات تاریخی جهان اسلام
سال یازدهم، شماره ۲۷، پاییز ۱۴۰۲ ISSN: (P) 2383-1944 (E) 2783-2309

بررسی اهداف سیاسی، اقتصادی در شکل گیری روابط انگلستان و عثمانی در نیمه دوم قرن شانزدهم میلادی

خلیل صالحی[۱] | حمید حاجیان‌پور (نویسندهٔ مسئول)[۲]

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/MTE.2023.15617.1698
علمی - پژوهشی
ص: ۲۵/۷

چکیده

توقف پیشروی ترکان عثمانی در دروازه‌های وین در دوره سلطان سلیمان و شکست در نبرد لپانتو در دوره سلیم دوم نشان داد که پیشروی‌های گسترده در اروپا متوقف شده است لذا مقامات عثمانی تصمیم به تحکیم مناسبات دیپلماتیک با بعضی از دول اروپایی نمودند که در دوره سلطنت مراد سوم به انگلستان به عنوان یک ملت رو به رشد توجه خاصی گردید. همزمان با سلطنت مراد سوم، در انگلستان الیزابت اول توجه خاصی به ممالک مشرق زمین همانند ایران صفوی، روسیه، و امپراتوری عثمانی نمود که از این بین امپراتوری عثمانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود و نخستین تلاش‌ها برای انعقاد مناسبات سیاسی با این امپراتوری اتخاذ گردید. این مقاله به روش توصیفی_ تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به دنبال بررسی اهداف درونی و بیرونی است که عثمانی و انگلستان در دوران آغازین روابط دنبال کردند، به ویژه اینکه مسائل اروپایی و تحولات داخلی این کشورها چگونه بر شکل گیری این روابط موثر بودند. اهمیت این تحقیق از آنجایی است که به بررسی شکل‌گیری مناسبات یکی از آخرین و بزرگ‌ترین امپراتوری‌های اسلامی یعنی عثمانی با انگلستان که بعدها نقش چشمگیری در تحولات جهان اسلام داشت می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که باب عالی، انگلستان را وسیله‌ای برای دست یابی به اهداف سیاسی خود همانند افزایش کشمکش‌های

۱. دانشجوی دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه شیراز، ایران. رایانامه: salehi۲۵history@gmail.com
۲. دانشیار دانشگاه شیراز ، شیراز. ایران. رایانامه: hhajianpour@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۹

This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | http://creativecommons.org/licenses/by/4.0

مذهبی در اروپا، از بین بردن اتحاد دول مسیحی، متحدی در برابر اسپانیای هاپسبورگ و تامین مواد مورد نیاز صنایع نظامی امپراتوری می‌دید. از سویی دیگر دربار انگلستان، عثمانی را تنها ابر قدرتی می‌پنداشت که قادر به مقابله با اسپانیا بود و همچنین مجامع تجاری انگلستان با گشایش روابط با عثمانی می‌توانستند کالاهای انگلیسی را در قلمرو گسترده امپراتوری عرضه و به راههای تجاری مشرق زمین همانند جاده ابریشم دسترسی داشته باشند.

واژگان کلیدی
عثمانی، انگلستان، مراد سوم، الیزابت اول، روابط دیپلماتیک، اروپا

مقدمه

از نخستین سالهای شکل‌گیری عثمانی این امپراتوری به دلیل موقعیت جغرافیایی خود مناسباتی را با دول اروپایی منعقد نمود؛ آن مناسبات گاه خصمانه و گاه دوستانه بود. در اواسط قرن شانزدهم میلادی و همزمان با سلطنت سلیمان قانونی، امپراتوری به اوج عظمت و اقتدار خود رسید و توانست به پیشروی‌هایی گسترده در اروپا دست یابد و تا وین در قلب اروپا پیشروی نماید. در نتیجهٔ توسعهٔ قلمرو عثمانی در اروپا، مناسبات باب عالی با اروپایی‌ها نیز گسترش یافت که انعقاد قراردادهای متارکه جنگ و صلح با هاپسبورگ‌ها و قراردادهای تجاری موسوم به کاپیتولاسیون با فرانسه و ونیز را می‌توان از مصادیق بارز آن دانست. در دورهٔ جانشین سلیمان؛ یعنی سلیم دوم، اگر چه ترک‌ها قبرس را فتح نمودند؛ اما با عکس العمل اسپانیا و سایر متحدین اروپایی آن مواجه شدند که منجر به شکست در نبرد لپانتو گردید و به نحوی به بلندپروازی‌های سلاطین عثمانی در اروپا و مدیترانه خاتمه داد. با به قدرت رسیدن مراد سوم و تحت هدایت صوقلو محمد پاشا صدراعظم، سیاست خارجی جدید و فعال‌تری با دول اروپایی اتخاذ گردید، دربار عثمانی با اتخاذ سیاست جدید تلاش می‌نمود که گاه با حفظ صلح و گاه با وارد شدن به دسته بندی‌های دول اروپایی بر تحولات بین المللی اثر گذار باشد، بدین منظور در دوره سلطان مراد سوم قراردادهای تجاری موسوم به کاپیتولاسیون با فرانسه و ونیز تمدید گردید، در مسائل داخلی لهستان و بحران جانشینی در آن کشور مداخله شد و همچنین با انگلستان مناسبات سیاسی و تجاری برقرار گردید. انگلستان در نیمه دوم قرن شانزدهم میلادی اگر چه به رهبری الیزابت اول، کشور کوچکی بود و تنها بر انگلستان و بخش‌هایی از ایرلند حکومت می‌کرد و اگر چه نیروی مقتدری همانند اسپانیا و پرتغال نبود؛ اما این کشور، رو به پیشرفت و در حال تبدیل شدن به یکی از کشورهای بزرگ بود. ملکهٔ انگلستان همچنین به مذهب پروتستان گرویده بود و در معرض تهدید از سوی اسپانیا و سایر کشورهای کاتولیک قرار داشت و به نحوی جزیرهٔ انگلستان

در انزوا به سـر می‌برد. از سـویی دیگر بازرگانان و ملوانان ماجراجوی انگلیسـی نیز در پی راهی برای دسترسی به شرق بودند که تحت کنترل دو قدرت کاتولیک یعنی اسپانیا و پرتغال نباشد که برقراری مناسبات دوستانه با امپراتوری وسیع و قدرتمندی همانند عثمانی می‌توانست این هدف انگلیسی‌ها را محقق سازد.

تا پیش از دهۀ ۱۵۸۰ میلادی مناسبات میان عثمانی و انگلستان محدود و منحصر به اندک تماس های بود؛ ترک‌ها و انگلیسی‌ها شناخت چندانی از یکدیگر نداشتند و یا اهمیت چندانی برای دیگری قائل نبودند زیرا انگلستان هنوز به قدرتی دریایی و جهانی تبدیل نشده بود و تجارت با شرق نیز عمدتا با واسطه‌گری سایر ملل اروپایی صورت می‌گرفت و از سویی دیگر قلمرو عثمانی از انگلستان دور بود. نخستین مواجهه مستقیم میان انگلیسی‌ها و ترکان عثمانی به پایان قرن چهاردهم میلادی بازمی‌گردد هنگامی که انگلستان ارتشی تحت فرماندهی جان هالند[1] برای ملحق شدن به ارتش متحد اروپایی تحت فرماندهی پادشاه مجارستان سیگیسموند[2] برای بیرون راندن ترکان عثمانی از بالکان اعزام نمود که نهایتا این ارتش اروپایی بدست ایلدرم بایزید در نبرد نیکوپولیس[3] در سال ۱۳۹۶م نابود گردید (Subasl، 2002: 202).

در اوایل قرن شانزدهم میلادی تجار انگلیسی در دریای مدیترانه حضور یافتند و با جزایر تابع ونیز در نزدیکی قلمرو عثمانی به تجارت پرداختند که به تدریج موجب آشنایی انگلیسی‌ها با ترکان عثمانی گردید، تعدادی از اتباع انگلستان از قلمرو عثمانی بازدید کردند و گزارش‌هایی از سیاحت خود در قلمرو ترکان فراهم نمودند. در سال ۱۵٤۰م نیز نیروهای انگلیسی به تحریک پاپ پل سوم[4] در مجارستان در نبرد بر علیه امپراتوری عثمانی شرکت نمودند (الصباغ، ۱۹۸۹: ۱۷۰/۱).

در سال ۱۵۵۳م تاجر معروف انگلیسی آنتونی جنکینسون[5] به قلمرو عثمانی رفت و با سلطان سلیمان قانونی در حلب که در راه جنگ با صفویان بود ملاقات کرد و از او مجوزی برای فعالیت‌های تجاری در قلمرو امپراطوری، درخواست نمود (Jenkinson & other Englishmen، 1886: 5/1). سلطان با درخواست وی موافقت کرد و به جنکینسون و شرکای وی اجازه داد که فعالیت‌های تجاری خود را مطابق با امتیازاتی که به فرانسوی‌ها و ونیزی‌ها واگذار کرده بود، انجام دهند (Schulz، 2018: 31). سلطان همچنین امنیت تجار انگلیسی را تضمین نمود و به آن‌ها اجازه داد که کالاهای خود را در کشتی‌های انگلیسی به بنادر عثمانی حمل کنند مشروط به آنکه در قلمرو عثمانی تحت پرچم فرانسه به سفر و تجارت بپردازند. تجارت انگلستان با عثمانی بعد از کسب امتیاز جنکینسون نیز گسترش نیافت؛ مهمترین عوامل آن را می‌توان مسیر طولانی تا عثمانی، پر خطر بودن مسیر ناشی از راهزنی و دزدی دریایی، برقراری جنگ‌های مستمر میات ترکان عثمانی و دول مسیحی اروپا دانست (الصباغ، ۱۹۸۹: ۱۷۲/۱-۱۷۱).

1 .John Holland

2 .Sigismund

3 .Nicopolis

4 .Paul III

5 .Anthony Jenkinson

با به قدرت رسیدن الیزابت اول[1] سیاست خارجی انگلستان توجه ویژه‌ای به دول مشرق زمین از جمله امپراتوری عثمانی نمود، که در دوره سلطنت مراد سوم به اوج وسعت خود رسیده بود. نخستین گام‌ها برای برقراری مناسبات میان انگلستان و عثمانی را دو تاجر لندنی به نام‌های ریچارد استیپر[2] و ادوارد آزبورن[3] که دو عضو کمپانی تجار[4] بودند اتخاذ کردند. این دو تاجر به منظور اخذ امتیازات تجاری مشابه امتیازات جنکینسون در سال ۱۵۷۸م یکی از عوامل خود به نام ویلیام هاربورن[5] را به استانبول اعزام نمودند (Foster، 1933: 69؛ Fischer، 1970، 125). از سویی دیگر صوقلو محمد پاشا صدراعظم عثمانی در خلال سال‌های ۱۵۶۵ تا ۱۵۷۹م به دنبال اتخاذ سیاست نزدیکی بیشتر با دول اروپایی بود که قراردادهایی را در این خصوص با اروپایی‌ها منعقد نمود، انگلستان نیز مورد توجه صدراعظم عثمانی قرار گرفت و تلاش نمود که با انعقاد قرادادی، امپراتوری را به انگلستان نزدیک گرداند (Shaw، 1976: 181/1)؛ لذا هاربورن در استانبول مورد استقبال مقامات عثمانی قرار گرفت و موفق گردید که در خلال چند ماه اقامت و مذاکرات با باب عالی از سلطان مراد سوم امتیازات تجاری اخذ کند و سلطان را متقاعد به نوشتن نامه‌ای به ملکه الیزابت اول در سال ۱۵۷۹م نماید (Foster ، 1933: 69)، در این نامه مراد سوم اعلام می‌کند که او به سه تن از اتباع ملکه با نام‌های ویلیام هاربورن، ادوارد آزبورن و ریچارد استیپر رخصت داده تا در قلمرو وی به تجارت بپردازند (Belgasem، 2013: 95)؛ همچنین سلطان وعده داد که دولت عثمانی همه نوع کمک به انگلیسی‌ها خواهد کرد و بنادر و اراضی این دولت همیشه برای تجارت انگلیسی‌ها باز باشد. الیزابت اول نیز در همان سال در پاسخ به نامه سلطان اعلام نمود که آماده واگذاری امتیازات و تسهیلات مشابه به اتباع عثمانی می‌باشد (الدوری، ۲۰۱۲: ۲۷۵). در نتیجه مذاکرات و مکاتبات میان دو دولت، در ژوئن ۱۵۸۰م باب عالی فرمان کاپیتولاسیون را صادر نمود که طبق آن به تمام اتباع انگلیسی حق مسافرت و تجارت ایمن را در امپراتوری عثمانی واگذار می‌نمود (Belgasem، 2013: 100). پس از مدتی نیز هاربورن از سوی الیزابت به عنوان سفیر انگلستان همراه با نامهٔ ملکه خطاب به سلطان عثمانی مجدداً عازم استانبول گردید (Cawston، 1896: 70).

این پژوهش به دنبال بررسی اهداف و شرایطی است که موجب نزدیک شدن عثمانی و انگلستان به یکدیگر و منعقد نمودن مناسبات سیاسی و تجاری در نیمه دوم قرن شانزدهم میلادی گردید. فرضیه پژوهش آن است که علل توجه عثمانی به انگلستان شرایط سیاسی این امپراتوری در قرن شانزدهم میلادی بود که در رقابت و نزاع با دول اروپایی در مرزهای اروپایی و مدیترانه به سر می‌برد. از سویی دیگر مناسبات خصمانه انگلستان با اسپانیا و تهدید انگلستان از سوی هاپسبورگ‌ها، موجب نزدیکی انگلستان به عثمانی شد.

در خصوص آغاز مناسبات عثمانی و انگلستان در دورهٔ سلطان مراد سوم و ملکه الیزابت اول، پژوهش‌های متعددی در قالب کتاب، رساله و پایان نامه وجود دارد؛ اما در خصوص اهداف نزدیکی بین

1 .Elizabeth I

2 .Richard Staper

3.Edward Osborne

4 .Company of Merchants

5 .William Harborne

دو دولت، پژوهش مستقل صورت نگرفته و در پژوهش‌های انجام شده مزبور، تنها به اشاراتی پراکنده در این خصوص اکتفا شده است. از مهمترین آثار در این زمینه، می‌توان به کتاب جرالد مک لین و نبیل متر با عنوان "Britain and the Islamic World, 1558-1713" اشاره کرد که به آغاز مناسبات انگلستان با جهان اسلام در دورهٔ ملکه الیزابت اول و از جمله با امپراتوری عثمانی اشاراتی دارد(۲۰۱۱). اپستاین در کتاب "The Early History of the Levant Company" به نقش عوامل کمپانی در انعقاد مناسبات و نخستین فعالیت‌های کمپانی لوانت در قلمرو عثمانی می‌پردازد (۱۹۰۸). تورگوت سوباسل محقق ترک نیز مقاله‌ای با عنوان "Anglo-Ottoman Relations Before the Tanzimat" دارد که به مناسبات انگلستان و عثمانی از آغاز تا اوسط قرن نوزدهم می‌پردازد، محدوده زمانی این مقاله وسیع است و تنها به برخی از رویدادها به صورت اجمال اشاره نموده است (۲۰۰۲). زاخاری شولز نیز در رسالهٔ دکترای خود با عنوان "The English in the Levant: Commerce, Diplomacy, and the English Nation in the Ottoman Empire, 1672-1691"، به چگونگی گشایش مناسبات دو کشور، اشاراتی مفید نموده است. (۲۰۱۸)

۱. اهداف عثمانی

علیرغم اینکه تجارت انگلیسی‌ها در منطقه لوانت، در توسعهٔ انگلستان در قرن هفدهم میلادی نقش چشم‌گیری داشت؛ اما عثمانی‌ها در آغاز مناسبات دو جانبه با انگلستان به دنبال اخذ امتیازات تجاری متقابل برای اتباع خود برای تجارت در انگلستان نبودند؛ زیرا اتباع چندانی از این امپراتوری در انگلستان زندگی، سفر و یا تجارت نمی‌کردند؛ مناسبات تجاری با انگلستان نقش جزئی در تاریخ اقتصادی امپراتوری عثمانی داشت؛ بنابراین، می‌توان گفت که جنبهٔ سیاسی این مناسبات برای باب عالی مهمتر از مسائل اقتصادی بود و هدف از واگذاری امتیازات تجاری در واقع شیوه‌ای برای دست‌یابی به اهداف سیاسی بود. مهم‌ترین اهداف باب عالی موارد زیر بود.

۱-۱. از بین بردن وحدت اروپا

پیشروی عثمانی به عنوان امپراتوری اسلامی در اروپا، موجب ترس و هراس اروپاییان و تلاش آن‌ها برای سد پیشروی ترکان گردید؛ در نتیجه، دولت‌های مسیحی اروپا سعی می‌کردند از طریق اتحاد با یکدیگر و به راه انداختن جنگ‌های صلیبی، پیشروی ترکان عثمانی را متوقف سازند. بنابراین یکی از سیاست‌های خارجی سلاطین عثمانی آن بود که از پیدایش اروپای متحد و یکپارچه جلوگیری نمایند. یکی از روش‌های سلاطین عثمانی برای از بین بردن اتحاد اروپایی‌ها، واگذاری امتیازات تجاری به کشورهای اروپایی بود که این دول را از هرگونه اتحاد بر علیه امپراتوری باز می‌داشت؛ از جمله آنکه در سال ۱۵۳۶م سلیمان قانونی امتیازات تجاری موسوم به کاپیتولاسیون را به فرانسه واگذار نمود و این امتیاز مقدمه اتحادی میان سلطان سلیمان و فرانسوای اول[1] پادشاه فرانسه بر علیه کارل[2] پنجم بود که وارث امپراتوری گسترده در اروپای مرکزی، اسپانیا و ایتالیا شده بود.

جنگ دریایی لپانتو که تنها سه سال پیش از به سلطنت رسیدن مراد سوم و در سال ۱۵۷۱م رخ داد، در نتیجهٔ اتحاد نیروهایی از دولت‌های مسیحی شامل اسپانیا، ونیز، دولت پاپی و امیر نشین‌هایی همانند

1 .Francis I

2 .Charles V

توسکانا، جنوا، ساووا، مالت، خرار و پارمه صورت گرفت (اوزون‌چارشی‌لی، ۱۳۷۰: ۳/ ۲۰-۱۹). اتحاد اروپایی‌ها در لپانتو منجر به نابودی ناوگان امپراتوری عثمانی در مدیترانه گردید به گونه‌ای که از ۲۳۰ کشتی ترک که در جنگ مشارکت نمودند، تنها ۳۰ کشتی به بنادر عثمانی بازگشتند (Holt & others، 1970: 337/1a). نابودی ناوگان عثمانی در نبرد لپانتو ثابت نمود که متحد شدن دول اروپایی و ایجاد ائتلافی بر علیه ترک‌ها می‌تواند عواقب وخیمی برای باب عالی داشته باشد و به برتری ترک‌ها پایان دهد؛ در نتیجه سلطان مراد سوم نیز همانند سلیمان قانونی تلاش نمود که با اعطای امتیازات گسترده تجاری به تجار انگلیسی از پیوستن انگلستان به ائتلاف‌های اروپایی بر علیه عثمانی جلوگیری کند و انگلستان را وسیله‌ای برای تجزیه اروپای واحد نماید.

در قرن شانزدهم میلادی ظهور جنبش پروتستانیسم و شدت گرفتن مناقشات مذهبی در اروپا، وحدت سابق اروپای کاتولیک را از بین برد و فِرَق مختلف پروتستان در سراسر اروپا ظهور کردند. باب عالی با زیر نظر قرار دادن تحولات اروپا و از آنجایی‌که کشورهای کاتولیک در مقابل پیشروی ترکان عثمانی در اروپا مقابله نموده بودند و پاپ به عنوان راس مذهب کاتولیک مهمترین تشویق کننده برای شکل‌گیری جنگ‌های صلیبی بر علیه مسلمانان و عثمانی بود، سیاست حمایت از جنبش‌های پروتستان را برای تشدید اختلافات مذهبی و افزایش اختلافات میان اروپایی‌ها در پیش گرفت. نخستین بار سلطان سلیمان سیاست حمایت از پروتستان‌ها را اتخاذ کرد، این سلطان مقتدر در سال ۱۵۵۲م نامه‌هایی به شاهزادگان پروتستان آلمانی با هدف تحریک آن‌ها به شورش بر علیه امپراتور کارل پنجم و تسهیل پیشروی ارتش عثمانی در قلمرو امپراتوری مقدس رم نوشت. در نامه‌ای سلیمان سوگند یاد می‌کند که در صورت چیرگی وی بر آن سرزمین‌ها پروتستان‌ها آسیبی نخواهند دید. در نامه دیگری سلیمان به پروتستان‌ها پیشنهاد مساعدت و یاری می‌دهد مشروط به اینکه بت نپرستند، به خدای واحد ایمان داشته باشند و دشمن امپراتور و پاپ باشند در مقابل نیز سلیمان به آنان آزادی مذهبی و اختیار ماندن در سرزمین‌های خود یا مهاجرت به قلمرو عثمانی را می‌داد (Jerkins, 2012: 16) .

پس از به سلطنت رسیدن مراد سوم نیز سیاست حمایت از پروتستان‌ها ادامه یافت؛ سلطان در نخستین سال سلطنت خود در نامه‌ای به پروتستان‌های تابع اسپانیا، به تشابهات میان اسلام و پروتستانیسم اشاره نمود و از آن‌ها به عنوان زمینه‌ای برای نزدیکی طرفین استفاده کرد؛ وی در نامه ای می‌نویسد: «شما به سهم خود نیز بت نپرستید، شما بت‌ها، تمثال‌ها و ناقوس‌ها را از کلیساهای خود طرد کرده‌اید و آیین خود را با بیان وحدانیت خدای قادر و اینکه مسیح پیامبر و خدمتگزار وی است اعلام کرده‌اید و با قلب و روح خود مشتاق و به دنبال مذهب حقیقی هستید؛ اما شخص بی ایمانی که او را پاپ می‌شناسند آفریدگار خود را واحد نمی‌شناسد، الوهیت را به عیسی مسیح نسبت می‌دهد و بت‌ها و تمثال‌ها را می‌پرستد که با دست‌های خود می‌سازد» (Burton، 2005: 62). همچنین در دوره سلطنت مراد سوم، انگلستان تحت رهبری الیزابت اول به مذهب پروتستان گرویده بود و در نتیجه الیزابت و اتباع پروتستانش از سوی پاپ پیوس پنجم[1] در سال ۱۵۷۰م تکفیر شدند (Roy، 2012: 18). الیزابت اول که از سوی پاپ تکفیر شده بود،

1 .Pius V

مورد توجه مراد سوم قرار گرفت. مراد سوم در حالی که پاپ را در نامه خود به پروتستان‌های تابع اسپانیا، شخصی بی ایمان معرفی می‌نماید؛ اما سفیه همسر سلطان در نامه‌ای به الیزابت، سلطان مراد را به عنوان حامی زنان مسیحی معرفی می کند (Maclean & Matar، 2011: 48) که نشان دهندهٔ آن است که باب عالی در مناقشات مذهبی صورت گرفته در اروپا از پروتستان‌ها حمایت می‌نمود و مذهب پروتستان را آیین صحیح مسیحی می‌دانست.

سلطان مراد سوم با اتخاذ سیاست حمایت از الیزابت در پی آن بود که از انگلستان برای تشدید اختلافات عقایدی و مذهبی و متفرق ساختن اروپایی‌ها و ضربه زدن به مذهب کاتولیک و پاپ که تشویق کننده شکل‌گیری حملات صلیبی بود، استفاده نماید. در نتیجه سیاست مراد سوم نسبت به انگلستان در دوره الیزابت اندیشه‌های قرون وسطایی جنگ‌های صلیبی و ارتش واحد اروپایی برای نبرد با مسلمانان توسط مقامات این کشور دنبال نگردید و انگلیسی‌ها در جنگ‌های بر علیه امپراتوری عثمانی شرکت ننمودند.

۲-۱. مقابله با اسپانیا در اروپا و مدیترانه

باب عالی در نیمهٔ دوم قرن شانزدهم میلادی به شدت نگران قدرت و نفوذ فزایندهٔ اسپانیا بود؛ بدین منظور سلیمان قانونی با فرانسه بر علیه هاپسبورگ‌ها، اتحادی منعقد نمود و به پادشاه فرانسه صد هزار دوکات فرستاد تا یک اتحاد میان فرانسه، انگلستان و شاهزادگان آلمانی برعلیه کارل پنجم ایجاد نماید، طرحی که هیچ وقت به طور کامل محقق نگردید (Jerkins، 2012: 12)، امپراتوری عثمانی همچنین در طول نیمهٔ دوم قرن شانزدهم میلادی از هلندی‌ها که در حال مبارزه با اشغال اسپانیایی‌ها بودند، پشتیبانی قابل توجه‌ی نمود (Faroqhi & Fleet، 2013: 243/2) .

هم زمان با سلطنت مراد سوم، اسپانیا تحت رهبری فیلیپ دوم[1] به اوج قدرت خود رسیده بود و فیلیپ دوم قدرتمندترین پادشاه مسیحی در جهان بود؛ او علاوه بر اسپانیا، بر بخش‌های بزرگی از اروپا از جمله در ایتالیا، هلند و پرتغال سلطه داشت و امپراتوری مقدس رم و فرانسه کاملا تحت نفوذ وی بودند. در خارج از اروپا نیز بخش بزرگی از قاره آمریکا، مستعمره اسپانیا بود و کلیهٔ مستعمرات پرتغال در آفریقا و آسیا نیز تابع اسپانیا شده بودند (Barton & Pears، 1893: 439) .

در دورهٔ مراد سوم اگر چه اسپانیا یا مستملکات آن با امپراتوری عثمانی، مرزی نداشت؛ اما خطر فزاینده‌ای از سوی اسپانیا متوجه عثمانی بود؛ زیرا حضور ناوگان قدرتمند اسپانیا در مدیترانه چشمگیر بود، بخش اعظم کشتی‌های اروپایی شرکت کننده در نبرد لپانتو، متعلق به اسپانیا بودند، کشتی‌های اسپانیایی نسبت به کشتی‌های ترک برتری داشتند، شهرهای اسلامی شمال آفریقا که بخش بزرگی از آن‌ها تابع عثمانی بودند، از سوی ناوگان اسپانیا در معرض تهدید بودند و علاوه بر آنها، اسپانیا با دشمنان عثمانی ارتباطاتی برقرار کرده بود؛ از جمله آنکه پس از سال ۱۵۸۰م که اسپانیا موفق گردید پرتغال را ضمیمه قلمرو خود سازد و در نتیجهٔ آن، کلیهٔ مستعمرات پرتغال در سرتاسر جهان از جمله در خلیج فارس تابع فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا شدند. پادشاه اسپانیا با استفاده از موقعیت جدید به دست آمده، تلاش نمود به ایران صفوی که در حال جنگ با عثمانی بود نزدیک گردد و دولت صفوی را به اقدام نظامی مشترک بر علیه امپرتوری

1 .Felipe II

عثمانی متقاعد نماید (Borges، 2014: 7)، بدین منظور در سال ۱۵۸۲م فیلیپ دوم به نایب‌السلطنه پرتغالی هندوستان دستور داد تا سفیری را به ایران اعزام نماید. سفیر اعزامی به دربار صفوی کشیشی آگوستینی به نام سیمون مورالس[1] بود که به زبان فارسی تسلط داشت و در ایران به خوبی مورد استقبال قرار گرفت (Waterfield، 2011: 59). اسپانیا علاوه بر ایران صفوی تلاش نمود تا به روسیه (دشمن دیگر عثمانی)، نزدیک شود، بدین جهت تعدادی از تجار روس، با فیلیپ دوم ملاقات نمودند و فیلیپ دوم قراردادهایی برای فروش تجهیزات نظامی به روس‌ها برای مواجه با عثمانی منعقد نمود (الدوری، ۲۰۱۲: ۲۸۰). در چنین شرایطی تنها انگلستان در سطح اروپا بر علیه توسعه طلبیِ اسپانیا مقاومت می‌نمود که موجب توجه و نزدیکی عثمانی به انگلستان شد.

۳-۱. تامین کالاهای نظامی مورد نیاز امپراتوری

سلطان مراد سوم در سال ۹۸٦ق/۱۵۷۸م با نقص قرارداد آماسیه، جنگی را در مرزهای شرقی امپراتوری آغاز کرد که به مدت دوازده سال (تا ۹۹۸ق/۱۵۹۰م) ادامه داشت و امپراتوری را درگیر یک جنگ طولانی مدت و فرسایشی نمود. اگرچه نیروهای ترک توانستند، اراضی وسیعی از مناطق غربی ایران صفوی که شامل شروان، داغستان، گرجستان، ارمنستان، آذربایجان و بین‌النهرین می‌شد را به تصرف درآورند؛ اما صفوی‌ها نیز دست به مقاومت و ضد حمله‌های شدیدی بر علیه نیروهای ترک می‌زدند (Holt & others، 1980: 338/1a). در نتیجه این جنگ طولانی، مقامات باب عالی به دنبال تامین منابع لازم برای استمرار جنگ بودند و سعی می‌کردند که تدارکات مورد نیاز جنگ را از سایر کشورها مخصوصا از کشورهای اروپایی تامین نمایند؛ اما فرمان پاپ گریگوری سیزدهم[2] در سال ۱۵۷۸م و در هنگام آغاز جنگ میان عثمانیان و صفویان، مسیحیان را از هر گونه تجارت اسلحه با مسلمانان منع نمود؛ لذا دول کاتولیک اروپایی همانند اسپانیا، فرانسه و امپراتوری مقدس رم از تجارت پر سود اسلحه با امپراتوری عثمانی محروم شدند. این تحریم باعث گردید که پیوندهای میان ترکان عثمانی و پروتستان‌های اروپایی همانند انگلستان که از فرامین پاپ تبعیت نمی‌کردند تقویت گردد (Jerkins، 2012: 14-13). در واقع باب عالی قصد داشت با واگذاری امتیازات تجاری گسترده به انگلیسی‌ها در مقابل تجهیزات نظامی و مواد لازم برای صنایع نظامی خود را فراهم نماید؛ علاوه بر آن امپراتوری عثمانی تلاش می‌کرد تا منابع تامین تسلیحات و تدارکات حیاتی برای صنایع نظامی خود را متنوع سازد.

از نخستین مذاکرات میان مقامات باب عالی و تجار انگلیسی می‌توان دریافت که مسألهٔ تامین تدارکات نظامی مورد توجه مقامات عثمانی بود و هاربورن با درک شرایطی که امپراتوری در آن قرار داشت، وعده داد که آهن، فولاد، روی و برنز مورد نیاز امپراتوری در جنگ با صفوی‌ها را تامین نماید و توانست با وعده‌های خود، سلطان مراد سوم را متقاعد به واگذاری امتیازات تجاری همانند امتیازات فرانسوی‌ها و ونیزی‌ها به تجار انگلیسی نماید (Shaw، 1976: 182/1). در دهه‌های آغازین گشایش مناسبات میان طرفین صادرات تسلیحات نظامی و مواد مورد استفاده در صنایع نظامی به عثمانی، یکی از مهمترین عوامل نگرانی کشورهای مسیحی اروپا بود که توسط اروپایی‌ها شرم آور خوانده می‌شد و این مساله دستاویزی برای حمله

---

1 .Simon Morales

1 .Gregory XIII

به الیزابت اول و پروتستانیسم در اروپا گردید (Roy، 2012: 28). باروت از جمله مهمترین مهمات صادره از انگلستان به عثمانی بود، در ژانویه ۱۶۰۶م سفیر ونیز در استانبول گزارش می‌دهد که انگلیسی‌ها سالیانه حداقل ۵۰۰ بشکه باروت به عثمانی وارد می‌کنند. در آگوست ۱۶۰۷م نیز سفیر ونیز در انگلستان گزارش می‌دهد که یکی از مقامات ترک از طریق فرانسه به انگلستان آمده و توسط تجار کمپانی ترکیه مورد پذیرایی قرار گرفته است و یکی از اهداف مسافرت وی را مذاکره بر سر صادرات باروت و جنگ افزار به عثمانی می‌داند (Ibid: 65-44). علاوه بر باروت؛ گزارش‌های مکرری از صادرات مواد خام به عثمانی همانند سرب، فلز، قلع، روی که در توپ‌ریزی و ساخت تجهیزات جنگی مورد استفاده قرار می‌گرفتند وجود دارد و انگلستان منبع اصلی واردات سرب و قلع امپراتوری در این برهه از زمان بود. د مندوزا[1] سفیر اسپانیا در لندن در سال ۱۵۷۹م به فلیپ دوم پادشاه اسپانیا اطلاع می‌دهد که یک کشتی انگلیسی با محموله‌ای به ارزش بیست هزار کرون قلع راهی شرق مدیترانه گردید. دو سال بعد سفیر اسپانیا در انگلستان گزارش می‌دهد که انگلیسی‌ها محمولهٔ بزرگی از ناقوس‌ها و تمثال‌های شکسته، قلع، سرب را به عثمانی فرستادند. سفیر فرانسه در استانبول نیز به نام د جرمیگنی[2] یاداشت می‌نماید که در سال ۱۵۸۰م انگلیسی‌ها مقادیر زیادی فولاد، تمثال‌های شکسته، مفرغ و برنج را برای ساخت اسلحه به عثمانی آوردند (Ayduz، 2006: 9-7). نیاز عثمانی به تسلیحات و منابع جنگی برای استمرار جنگ با ایران صفوی مسأله‌ای بسیار حیاتی بود؛ لذا مقامات ترک، از وعده تجار انگلیسی برای تامین تدارکات جنگی استقبال نمودند و با واگذاری امتیازات تجاری زمینه صادرات تجهیزات نظامی را در طول دهه‌های بعد فراهم کردند که در مقابل، منافع مادی بسیاری برای انگلستان در پی داشت و به نحوی به گشایش بازارهای امپراتوری برای کالاهای انگلیسی در قبال سلاح انگلیسی کمک نمود.

٤-١. کسب اخبار از تحولات اروپا

از آنجایی که ترکان عثمانی توانسته بودند مناطق بزرگی در اروپا را ضمیمه قلمرو خود نمایند و تا وین در قلب اروپا پیش‌روی کنند، کسب آگاهی و اطلاعات از حوادث و رویدادهای کشورهای اروپایی برای مقامات عثمانی از اهمیت والایی برخوردار بود که می‌توانستند اطلاعات مورد نیاز را از طریق روابط خود با مقامات انگلیسی کسب نمایند. این مسأله حتی در عالی‌ترین مقامات دو دولت یعنی سلطان و ملکه نیز دیده می‌شود؛ به طور مثال، در نامه‌ای به تاریخ ١٦ ژانویه ١٥٩١م سلطان مراد سوم به الیزابت اول می‌نویسد: «ما برای شما آرزوی سلامتی می‌کنیم و اینکه در آینده شما قادر باشید تا اخبار مفیدی را برای ما تهیه کنید» این درخواست سلطان نشان دهندهٔ آن است که باب عالی اطلاعاتی را از انگلستان دریافت کرده بود و انتظار داشت که چنین خدماتی از سوی انگلستان ادامه داشته باشد (Belgasem، 2013: 110). سفرای اروپایی ساکن در استانبول نیز از نقش مقامات انگلیسی در منتقل نمودن اخبار روز اروپا به باب عالی آگاه بودند؛ همان گونه که سفیر ونیز در استانبول گزارش می‌دهد: «سفیر انگلستان تمام اخبار جهان مسیحی را به اطلاع می‌رساند» (Ibid). یکی از سیاحان انگلیسی به نام فینس موریسون[3] که در دوران

1 .Bernardino de Mendoza

2 .De Germigny

3 .Fynes Moryson

اقامت خود در استانبول مهمان دومین سفیر انگلستان در عثمانی یعنی ادوارد بارتون[1] بود، فعالیت‌های جاسوسی سفیر انگلستان را برای ترک‌ها نیز تایید می‌نماید (Hughes، 1903: 30).

بدین ترتیب مقامات ترک توانستند که از رقابت سیاسی، اقتصادی و مذهبی که میان انگلستان و سایر کشورهای اروپایی برقرار بود، استفاده نمایند و از آخرین تحولات همسایگان اروپایی خود مطلع شوند.

۵-۱. کاهش بحران اقتصادی در امپراتوری

در دهۀ ۱۵۸۰ میلادی و همزمان با سلطنت مراد سوم، امپراتوری عثمانی با مشکلات اقتصادی عدیده‌ای مواجه گردید؛ ورود نقرۀ ارزان قیمت از قاره آمریکا باعث شد که ارزش سکه کاهش و قیمت کالاها افزایش یابند که در نتیجه موجب افزایش شدید تورم گشت (Holt & others، 1970: 344/1a). افزایش اختلاس توسط مقامات دولتی نیز موجب کمبود و کسری همیشگی در خزانه می‌شد (Faroqhi & Fleet، 2013: 41). رواج سکه‌های تقلبی، افزایش نزول خواری و افزایش بهره آن نیز از دیگر عوامل بحران اقتصادی بودند (Holt & others، 1970: 344/1a). جنگ‌های طولانی سلطان مراد سوم با دولت صفوی نیز باعث تشدید بحران اقتصادی گردید که بخش بزرگی از منابع و امکانات امپراتوری را می‌بلعید (Faroqhi & Fleet، 2013: 41)؛ حتی صوقلو محمد پاشا صدراعظم وقت نیز که از مخالفان جنگ بر علیه صفوی‌ها بود، منابع امپرتوری را برای این جنگ فرسایشی و طولانی مدت، ناکافی می‌دانست (Holt & others، ۱۹۷۰: ۳۳۹/۱a). دولت عثمانی با انعقاد قرارداد کاپیتولاسیون و واگذاری امتیازات گسترده به تجار انگلیسی؛ همانند امتیازاتی که سابقا به فرانسوی‌ها و ونیزی‌ها واگذار کرده بود، توانست شرایط تجارت را برای انگلیسی‌ها در قلمرو خود فراهم نماید و به تدریج تجارت خانه‌های انگلیسی در سراسر شهرهای مهم قلمرو امپراتوری؛ همانند قسطنطنیه، حلب، ازمیر و ... تاسیس شد و زمینۀ رونق تجارت در این شهرها را فراهم آورد و تا حدودی اثرات بحران اقتصادی محدود گردید.

۲. اهداف انگلستان

۱-۲. منافع تجاری

انگلیسی‌ها از اوایل قرن چهاردهم میلادی، کالاهای حوزۀ مدیترانه و خاورنزدیک را به واسطه ونیزی‌ها خریداری می‌نمودند؛ اما در اواخر قرن پانزدهم میلادی و در دورۀ هانری هفتم[2] کشتی‌های انگلیسی شروع به ورود به دریای مدیترانه و عزیمت به جزایر تابع ونیزی‌ها از جمله کرت و خیوس و خرید کالاهای شرقی از این جزایر متعلق به ونیز نمودند (الصباغ، ۱۹۸۹: ۱۶۹/۱). افول موقعیت ونیز پس از اکتشاف راه دماغۀ امیدنیک به وسیله پرتغالی‌ها و صعود آنتورپ در هلند به عنوان یک مرکز بازرگانی در اروپا که مقصد نهایی کشتی‌های پرتغالی بود باعث گردید که خرید از هلند برای تجار انگلیسی به مراتب با صرفه‌تر و ارزان‌تر باشد تا اینکه تجار انگلیسی با مسافرت دریایی مخاطره آمیز و گران به مدیترانه کالاهای مذکور را به دست آورند. بروز جنگ‌های هشتاد ساله میان هلند و هاپسبورگ‌ها در سال ۱۵۶۸م به موقعیت تجاری ویژه آنتورپ خاتمه داد. سقوط موقعیت آنتورپ باعث گردید که انگلستان از عزلت خود خارج گردد و به دنبال برقراری مناسبات در خارج از قارۀ اروپا برای یافتن راه‌های تجاری جدید به جهت دستیابی به

1 .Edward Barton

2 .Henry VII

کالاهای شرقی و کسب منافع بازرگانی باشد (Roy، 2012: 16-17). تا اواخر قرن شانزدهم میلادی راه دریایی دماغه امیدنیک در انحصار پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها بود؛ لذا در ابتدا کمپانی انگلیسی مسکوی موفق گردید که در دهه ۱۵۵۰میلادی از راه دریایی شمال با روسیه و ایران ارتباط برقرار نماید. علیرغم اخذ امتیازات تجاری از شاه طهماسب اول (Jenkinson & other، 1886: 395/2)؛ اما بعدها مشخص گردید که تجارت با ایران از راه شمالی روسیه کاملا امکان پذیر نیست و در نهایت تجارت از این مسیر قطع گردید (Curzon، 1892: 533/2)؛ لذا مجامع تجاری انگلستان متوجه منطقهٔ لوانت و امپراتوری عثمانی شدند. تا پیش از سال ۱۵۸۰م تجارت انگلیسی‌ها در قلمرو عثمانی تحت حمایت فرانسوی‌ها صورت می‌گرفت که مناسبات سیاسی و اقتصادی خوبی با باب عالی داشتند؛ امتیاز کاپیتولاسیون که به فرانسوی‌ها واگذار شده بود، این حق را به آن‌ها واگذار می‌کرد که حامی منافع سایر تجار مسیحی باشند، لذا کشتی‌های انگلیسی با پرچم فرانسه و تحت حمایت کنسول‌ها و نمایندگان فرانسوی ساکن در شهرهای امپراتوری عثمانی فعالیت می‌نمودند و در مقابل تجار انگلیسی به کنسول‌ها و مقامات فرانسوی مالیات پرداخت می‌کردند.

در واقع مسأله‌ای که باعث تشویق انگلیسی‌ها برای دستیابی به تجارت مستقیم و مستقل با امپراتوری عثمانی گردید آن بود که با حذف واسطه‌گران ونیزی و فرانسوی، تجار انگلیسی می‌توانستند سود بیشتری به دست آورند؛ بنابراین، انگلیسی‌ها مصمم بودند که حق تجارت در امپراتوری را خارج از سلطه و نفوذ ونیزی‌ها و فرانسوی‌ها به دست آورند (Belgasem، 2013: 5). همچنین در دورهٔ الیزابت اول، هنگامی که تجار انگلیسی به دلیل اختلافات مذهبی و سیاسی قادر به تجارت با همسایگان اروپایی کاتولیک خود نبودند، امپراتوری‌های اسلامی از جمله عثمانی می‌توانستند جایگزین مناسبی باشند تا کالاهای انگلیسی در آن‌جا عرضه شوند (Maclean & Matar، 2011: 230).

مقامات انگلستان در دورهٔ الیزابت اول توجه زیادی به منافع تجاری و سیاسی حضور انگلستان در دریای مدیترانه و امپراتوری عثمانی داشتند. نخستین توجه مقامات انگلیسی به تجارت منطقهٔ لوانت در سال ۱۵۷۸م آغاز گردید؛ هنگامی که سر فرانسیس والسینگهام[1] منشی ملکه الیزابت یادداشتی در خصوص تجارت عثمانی نوشت. از دیدگاه والسینگهام تجارت انگلستان و عثمانی باعث حفظ نیروی دریایی انگلستان خواهد شد و از اضمحلال آن جلوگیری خواهد کرد، وی همچنین معتقد بود که مدیترانه خط مقدم برای حفاظت و دفاع از انگلستان در مقابل یورش بیگانگان خواهد بود و تجارت با عثمانی برای تجار انگلیسی بازاری خواهد بود که کالاهای انگلیسی بدون وجود کشورها و تجار واسطه، به آنان عرضه خواهند شد، کالاهای حوزهٔ مدیترانه و خاور نزدیک را برای انگلستان تامین می‌گرداند و تجار انگلیسی می‌توانند کالاهای شرقی را به اروپا منتقل کنند (Roy، 2012: 21-20). از اظهارات منشی ملکه می‌توان دریافت که ارتباط تجاری با عثمانی برای انگلستان امری حیاتی بود؛ زیرا علاوه بر دسترسی به کالاهای مشرق زمین، برای دفاع از انگلستان نیز اهمیت داشت.

موفقیت تجار انگلیسی به رهبری هاربورن در متقاعد نمودن باب عالی در اعطای امتیازات تجاری به آنان در سال ۱۵۸۰م، منجر به شکل‌گیری یک تشکیلات اقتصادی جدیدی به نام کمپانی لوانت گردید

1 .Sir Francis Walsingham

(Shaw، 1976: 182/1)، که سود سالیانه آن به حدود ۳۰۰ درصد می‌رسید (Wood، 1964: 17).

کمپانی لوانت در شهرهای مهم امپراتوری مانند استانبول، ازمیر و حلب کنسولگری‌هایی تاسیس نمود و پس از آن سفیر انگلستان در استانبول در واقع هم نماینده دولت انگلستان بود و هم در راس تشکیلات اقتصادی کمپانی لوانت در عثمانی قرار داشت. تجارت کمپانی لوانت در قلمرو عثمانی شاهد پیش‌رفت سریع و بزرگی بود به گونه‌ای که کمپانی لوانت را می‌توان پر سودترین تشکیلات اقتصادی انگلستان تا پیش از شکل‌گیری کمپانی هند شرقی دانست.

پارچه‌های انگلیسی از جمله مهمترین صادرات کمپانی به امپراتوری عثمانی بود؛ به گونه‌ای که پارچه‌های انگلیسی حتی توانستند در بازارهای عثمانی بر پارچه‌های فرانسه و ونیز سبقت بگیرند (Roy، 2012: 56). در آگوست ۱۶۳۸م ژان باپتیست تاورنیه[1] یک هزار ینی‌چری را مشاهده نمود که از قاهره عازم پادگان حلب بودند تا به ارتش سلطان مراد چهارم که قصد بازپس‌گیری بغداد از صفوی‌ها را داشت ملحق شوند. تاورنیه به شدت تحت تاثیر یونیفرم‌های رنگین ینی‌چری‌ها قرار گرفت که از پارچه‌های انگلیسی ساخته شده بود (Maclean & Matar، 2011: 198).

علاوه بر پارچه، اسلحه، قلع، سرب و مهمات برای توپ‌سازی از جمله دیگر صادرات کمپانی بود (Jerkins، 2012: 12). در دهه ۱۶۷۰میلادی سفیر وقت انگلستان در استانبول؛ یعنی جان فینچ[2] به کرات گزارش می‌دهد که اقتصاد امپراتوری هنوز به طور گسترده‌ای به واردات پشم، قلع و سرب از انگلستان وابسته است (Maclean & Matar، 2011: 115). در مقابل کمپانی از عثمانی قالی، پنبه، قهوه، ادویه، کشمش و ابریشم به انگلستان وارد می‌نمود (Couch، 2013: 53). جورج ساندیس انگلیسی در سال ۱۶۱۰م در این خصوص ذکر می‌کند که در قسطنطنیه انگلیسی‌ها می‌توانند قالی‌های ایرانی، منسوجات پشمی، دیبا، ابریشم خام را خریداری نمایند که از طریق جاده‌های زمینی و توسط بازرگانان ارمنی از ایران به قسطنطیه آورده می‌شوند (بایبوردیان، ۱۳۷۵: ۶۳).

۲-۲. اتحاد سیاسی بر علیه اسپانیا

در سال ۱۵۵۳م هانری هشتم[3] پادشاه انگلستان با طلاق همسرش برخلاف قوانین مذهب کاتولیک، به مخالفت با پاپ برخواست، این رویداد در واقع پایان مذهب کاتولیک و دخالت پاپ در انگلستان بود. پس از هانری هشتم، دخترش الیزابت اول این کار را قطعیت بخشید و کلیسای پروتستان انگلستان را تاسیس کرد که زیر نظر خودش و خارج از سلطهٔ پاپ بود. با تکفیر الیزابت اول در سال ۱۵۷۰م از سوی پاپ، مناسبات انگلستان با دول کاتولیک؛ مخصوصا اسپانیای هاپسبورگ، بزرگترین مدافع مذهب کاتولیک خصومت آمیز شد؛ به گونه‌ای که یکی از اهداف فیلیپ دوم امپراتور اسپانیا آن بود که انگلستان را از لحاظ سیاسی و اقتصادی تحت نفوذ اسپانیای هاپسبورگ درآورد و یا حتی ضمیمهٔ قلمرو خود کند و انگلستان را به صورت یک کشور کاتولیک اعاده نماید، در این خصوص سر هنری نوریس[4] سفیر انگلستان در فرانسه

1 .Jean Baptiste Tavernier

2 .John Finch

3 .Henry VIII

4 .Sir Henry Norris

و یکی از مقربان ملکه الیزابت در نامه‌ای در سپتامبر ۱۵۷۰م هشدار می‌دهد که سفیر ونیز اعلام کرده است که اگر پادشاه اسپانیا با موریسکوها[1] به صلح دست یابد، به انگلستان یورش خواهد برد (Roy، 2012: 43) .

الیزابت اول با درک تهدید از سوی اسپانیای کاتولیک و نزدیک بودن مواجهه با آن کشور، می‌دانست که او به حمایت‌های ملل و دول خارج از اروپا در مقابل این رقیب قدرتمند خود نیاز خواهد داشت و از آن‌جایی‌که در عصر الیزابت از سوی ترکان عثمانی خاک انگلستان را خطری تهدید نمی‌کرد، دشمنی با کاتولیک‌ها و اسپانیا همانند پلی برای برقراری ارتباط میان عثمانی و انگلستان گردید. گشایش و گسترش روابط انگلستان با امپراتوری عثمانی که قدرت آن در اروپای قرن شانزدهم کاملا محسوس بود می‌توانست شیوه‌ای برای دفع خطر اسپانیا از انگلستان باشد. در واقع انگلیسی‌ها می‌خواستند همان گونه که فرانسوای اول پادشاه فرانسه با سلیمان قانونی بر علیه کارل پنجم متحد شده بود ائتلاف مشابهی بر علیه اسپانیا به وجود آورند. همچنین انگلستان می‌توانست که از تجربیات و کمک‌های نظامی عثمانی برای مقابله با اسپانیا برای حفظ استقلال خود استفاده نماید.

هدف نهایی الیزابت از اتحاد با عثمانی بر علیه اسپانیا قانع نمودن مراد سوم برای حمله به قلمرو هاپسبورگ‌ها به منظور منحرف کردن توجه نیروی دریایی اسپانیا از انگلستان به شرق مدیترانه بود تا بدین ترتیب انگلستان آمادگی بیشتری برای مقابله با یورش اسپانیا به خاک خود داشته باشد (Jerkins، 2012: 11). الیزابت اول به منظور تحقق این اتحاد از بعضی اشتراکات مذهبی میان پروتستانیسم و اسلام برای مقاصد سیاسی خود بهره برد بدین صورت که در نامه نگاری با مراد سوم به وی متذکر گردید که هم پروتستان‌ها و هم مسلمانان در رد تمثال‌ها و پیکره‌ها، متفق القول هستند و از بت‌پرستی که توسط پادشاه اسپانیا صورت می‌گرفت، بیزار و متنفرند (Ibid: 15). الیزابت همچنین در نامه‌ای دیگر به مراد سوم، خود را «قوی‌ترین مدافع آیین مسیحیت در برابر بت‌پرستی افراد ناشایستی که میان مسیحیان زندگی می‌کنند و به کذب به مسیح ایمان آورده‌اند» خوانده است و به ضرورت اعلان جنگ بر علیه آن‌ها اشاره می‌نماید (Burton، 2005: 64)، بنابراین؛ الیزابت امید داشت که اتحادی سیاسی میان دین‌داران یکتاپرست که متشکل از انگلستان و عثمانی بود بر علیه اسپانیای هاپسبورگ شکل دهد؛ اما مراد سوم پیوستن به انگلستان در این جنگ را با این عذر که امپراتوری در حال جنگ با ایران صفوی می‌باشد، رد نمود.

علاوه بر نامه نگاری میان الیزابت اول و مراد سوم، یکی از اهداف استقرار سفیر انگلیسی در استانبول، پیگیری سیاست ضد اسپانیا در دربار عثمانی بود. در طول دهه ۱۵۸۰میلادی ویلیام هاربورن در دوران تصدی منصب سفارت در استانبول تا سال ۱۵۸۸م، بنا به درخواست دولت انگلستان، ملتمسانه از مراد سوم پشتیبانی دریایی امپراتوری را بر علیه ناوگان اسپانیا درخواست می‌کرد؛ به طور مثال در سال ۱۵۸۵م هاربورن از والسینگهام منشی ملکه دستورالعملی برای تحریک ترک‌ها برای جنگ با اسپانیا دریافت نمود. بنا به توصیهٔ والسینگهام، سفیر انگلستان می‌بایست سلطان عثمانی را متقاعد نماید که جنگ طولانی و بی‌نتیجه با صفویان در مرزهای شرقی را که موجب تحلیل رفتن منابع امپراطوری شده بود، پایان دهد. هاربورن همچنین ماموریت داشت سلطان را متقاعد نماید که ناوگانی برای مهاجمه اسپانیا یا مناطق تابع آن فراهم نماید و همزمان از سوی اقیانوس اطلس توسط انگلستان بر علیه اسپانیا هجوم شکل خواهد

1 .Moriscos

گرفت (Roy، 2012، 32-33).

هاربورن که از عدم آشنایی دقیق ترکان با انگلستان آگاه بود، سعی داشت با معرفی انگلستان به مراد سوم به عنوان قدرتمندترین کشور مسیحی، سلطان عثمانی و مقامات باب عالی را متقاعد نماید که انگلستان می‌تواند به عنوان کشوری قدرتمند متحد عثمانی در برابر اسپانیا گردد. بدین جهت در ملاقات با مراد سوم، سعی در اغراق و بزرگنمایی میزان قدرت انگلستان نمود. هاربورن در ملاقات با سلطان عثمانی اعلام کرد که انگلستان بیش از ۱۲۰۰ لیگ مساحت دارد که لندن مرکز آن به عظمت استانبول است و این شهر ۲۰۰ هزار مرد جنگی آماده دارد، همچنین انگلستان دارای ٤١٦ شهر با استحکامات است که این به استثنای قلاع این کشور است. هاربورن ناوگان این کشور را بزرگتر و مجهزتر از تمامی شاهان مسیحی معرفی کرد؛ همچنین از معادن و منابع فراوان انگلستان سخن به میان آورد و انگلیسی‌ها را مردمی چابک و شجاع معرفی نمود (Ibid: 31).

بعد از هاربورن، جانشین وی بارتون نیز تلاش‌های سلف خود را دنبال نمود و از هیچ کوششی برای تلاش در تغییر نظر باب عالی در خصوص اتحاد در برابر اسپانیا دریغ نورزید. در نامه‌ای به تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۵۸۸م، بعد از نبرد آرمادا و شکست نیروی دریایی اسپانیا از انگلستان، بارتون طی نامه‌ای تهییج کننده (همراه با تملق) از مراد درخواست کرد که این فرصت مطلوب و نادر به دست آمده را از دست ندهد و ناوگانی مرکب از صد کشتی برای مبارزه با اسپانیایی‌ها اعزام نماید. او در این نامه سعی کرد که سلطان را با وعدهٔ غنایم و تصرف سرزمین‌هایی وسیع در صورت اعزام چنین ناوگانی تطمیع نماید (Belgasem، 2013: 108). بارتون حتی پیشنهاد تشکیل یک نیروی دریایی بر علیه تجار اسپانیایی در اقیانوس هند را داد؛ این پیشنهاد با هدف تغییر تمرکز پادشاه و نیروی نظامی اسپانیا از انگلستان به آسیا بود که طرح مورد نظر مورد قبول ترکان قرار نگرفت (Subasi، 2002: 205-204) .

نزدیکی سیاسی عثمانی و انگلستان موجب هراس قدرت‌های کاتولیک اروپایی همانند فرانسه، ونیز، اسپانیا و امپراتوری مقدس رم شد و دیپلمات‌های این کشورها در استانبول تمام امکانات خود را به کار گرفتند تا از دستاوردهای اقدامات و مذاکرات هاربورن با باب عالی جلوگیری نمایند و از شکل‌گیری ائتلاف میان پروتستان‌ها و مسلمانان پیش‌گیری کنند. گزارش‌های منتشر شده به وسیلهٔ سفرای این چهار کشور، همگی نشان دهنده تلاش‌هایی هماهنگ برای جلوگیری از یک رابطهٔ رسمی میان انگلستان و امپراتوری عثمانی بود. به استثنای ونیزی‌ها که نگران رقابت تجاری در منطقه لوانت بودند بقیهٔ سفرا و نمایندگان اروپایی نگران پی‌آمدهای سیاسی مناسبات انگلستان و عثمانی و اتحاد بین دو دولت بودند (Roy،2012: 26-25). در می ۱۵۸۲م کشتی انگلیسی به نام بارک رینلدز[1] که عازم عثمانی بود، در دریای مدیترانه با کشتی‌های ایتالیایی مواجه گردید و ایتالیایی‌ها کشتی انگلیسی را به مالت آورده و خدمه آن کشتی را مورد بازجویی قرار دادند و سپس مدارک کشتی و کالاها را به رم نزد پاپ گریگوری سیزدهم فرستادند تا مورد بررسی مقامات دولت پاپ قرار گیرد. گرفتن کشتی انگلیسی موجب هراس میان دیپلمات‌ها و دولتمردان کشورهای کاتولیک گردید؛ به گونه‌ای که در مکاتبات سفرای اروپایی از اتحاد نظامی میان ترک‌ها و

---

۱. Bark Reynolds

انگلیسی‌ها و احتمال یک یورش مشترک به اروپا توسط آن‌ها به چشم می‌خورد و به همین علت نیز پاپ که از یک عملیات مشترک انگلیسی-عثمانی بر علیه ایتالیا هراس داشت، پس از مدتی کشتی انگلیسی را رها نمود (Ibid: 30-29).

علیرغم دادن وعده‌هایی از سوی مراد سوم برای کمک نظامی به انگلستان از جمله اعزام ناوگانی مرکب از ۳۰۰کشتی (Inalcik & Quataert، 1994: 367/1)؛ اما این اتحاد نظامی و عملیات مشترک عثمانی و انگلستان بر علیه اسپانیا، هیچ گاه محقق نگردید. علیرغم آن نزدیکی میان دو دولت، توانست منافعی را برای انگلستان در مواجهه با اسپانیا در برداشته باشد؛ از جمله آنکه پادشاه اسپانیا در حدود ۳۰ هزار نیرو در مدیترانه برای مواجهه با ترکان در اختیار داشت که قصد داشت با انتقال آن‌ها به اروپا از این نیروها برای یورش به انگلستان استفاده نماید؛ لذا بدین منظور سفیری را به دربار عثمانی اعزام نمود تا قرارداد صلحی را باب عالی منعقد نماید؛ اما سفیر انگلستان موفق گردید که از انعقاد صلح میان عثمانی و اسپانیا جلوگیری کند (Epstein، 1908: 30). بدین ترتیب با مداخله دیپلمات‌های انگلیسی، اسپانیا نتوانست بخش‌هایی از نیروهای خود را که برای مواجه با انگلستان به آن‌ها نیاز داشت از مدیترانه منتقل نماید و از تمرکز نیروی دریایی اسپانیا بر علیه انگلستان در اقیانوس اطلس جلوگیری به عمل آمد و این امر موجب تسهیل شکست اسپانیا از انگلستان در نبرد دریایی آرمادا در سال ۱۵۸۸م گردید.

نتیجه

در نیمهٔ دوم قرن شانزدهم میلادی، عثمانی منازعات مستمری با همسایگان اروپایی خود از قبیل هاپسبورگ‌های اسپانیا و اتریش، پرتغال، مجارستان، لهستان، ونیز و سایر دولت شهرهای ایتالیایی داشت که گاه این دولت‌های اروپایی بر علیه عثمانی با یکدیگر متحد می‌شدند و مشکلات جدی برای این امپراتوری به وجود می‌آوردند، که از این بین اسپانیا در زمان سلطنت مراد سوم به قدرت عظیمی در صحنهٔ جهانی تبدیل شده بود و چالشی برای عثمانی در مدیترانه به شمار می‌آمد.

از سویی دیگر انگلستان نیز در دورهٔ ملکه الیزابت اول، به دلیل تبعیت از مذهب پروتستان و خروج از مذهب کاتولیک، در انزوا قرار گرفته بود و از سوی ناوگان عظیم اسپانیا مورد تهدید بود. انگلیسی‌ها همچنین به دنبال مسیری برای دسترسی به منابع و ثروت‌های مشرق زمین بودند که خارج از کنترل اسپانیا و پرتغال باشد.

یافته‌ها و دستاوردهای این پژوهش حاکی از آن است که شرایط بین المللی به نحوی بود که مقدمات و زمینه‌های نزدیکی طرفین در دهه ۱۵۸۰ م میلادی فراهم نمود و هر یک از دولتین به دنبال تحقق منافع خود از گشایش این مناسبات بودند. انگلستان با توجه به رشد صنایع و جوامع تجاری خود به دنبال گسترش تجارت خارجی و کسب منافع اقتصادی بود که توانست با صادرات انواع کالاهای انگلیسی از جمله منسوجات و تجهیزات نظامی این امر را محقق سازد، همچنین برای حفظ استقلال خود در مقابل اسپانیای هاپسبورگ درصدد بود که اتحادی را با امپراتوری عثمانی منعقد نماید که اگر چه این مناسبات منجر به اتحاد نظامی بر علیه اسپانیا نشد؛ اما توانست بخشی از ناوگان اسپانیا را در مدیترانه نگاه دارد و زمینهٔ شکست اسپانیا از انگلستان را در سال ۱۵۸۸ فراهم نماید. از طرف دیگر عثمانی به دنبال پایان دادن به برتری اسپانیا در اروپا و حوزهٔ مدیترانه بود که در نبرد لپانتو نقش تعیین کننده‌ای در شکست عثمانی داشت.

عثمانی همچنین به دنبال آن بود که با استفاده از پیدایش مذهب پروتستان، اتفاق دول مسیحی را برای عداوت و دشمنی با عثمانی از بین ببرد؛ علاوه بر آن، با تقویت پروتستان‌ها، زمینه تضعیف دول کاتولیک همانند اسپانیا، ونیز، لهستان و .... را که در همسایگی عثمانی بودند و در مقابل پیشروی امپراتوری مقاومت می‌کردند را فراهم نمود. عثمانی همچنین می‌توانست با استفاده از روابط خود با انگلستان نیازهای‌های مبرم نظامی مورد استفاده در جنگ فرسایشی و طولانی با صفویان را تامین نماید. عثمانی و انگلستان توانستند این اهداف را از طریق انعقاد قرارداد موسوم به کاپیتولاسیون در سال ۱۵۸۰م که طی آن سلطان مراد سوم مجموعه‌ای از امتیازات تجاری را به اتباع الیزابت اول واگذار نمود، محقق سازند.

منابع

۱. الدوری، رائد سامی حمید (۲۰۱۲). "معاهدۀ الامتیازات العثمانیۀ الانکلیزیه لعام ۱۵۸۰م، اسباب عقدها- بنودها- نتائجها،" مجله الدراسات التاریخیه و الحضاریه، المجلد ٤، العدد ۱۳، صص ۲۷۰- ۳۰٤.

۲. الصباغ، لیلی (۱۹۸۹). الجالیات الاوروبیه فی بلاد الشام فی العهد العثمانی، بیروت، موسسه الرساله، ج۱.

۳. اوزون‌چارشی‌لی، اسماعیل حقی (۱۳۷۰). تاریخ عثمانی، ترجمه ایرج نوبخت، تهران، کیهان، ج۳.

٤. بایبوردیان، واهان (۱۳۷۵). نقش ارامنه ایرانی در تجارت بین المللی تا پایان سده ۱۷ میلادی. تهران.

5. Ayduz, S (2006). *Artillery Trade of the Ottoman Empire*. Manchester, Foundation for Science Technology and Civilisation, pp. 1-17.

6. Barton, Edwarde & Pears, Edwin (1893). "The Spanish Armada and the Ottoman Porte," *The English Historical Review*, Vol. 8, No. 31, pp. 439-466.

7. Belgasem, Fatima Essadek Ali (2013). *Representations of Ottoman Sultans in Elizabthan Times*, A Thesis Submitted for the Degree of Doctor of Philosophy, Durham, Durham University.

8. Borges, Graça Almeida (2014). "The Iberian Union and the Portuguese Overseas Empire, 1600-1625: Ormuz and the Persian Gulf in the Global Politics of the Hispanic Monarchy," *E-journal of Portuguese History*, Vol. 12, No. 2, pp. 1-26.

9. Burton, Jonathan (2005). *Traffic and Turning: Islam and English Drama, 1579-1624*, Newark, University of Delaware Press.

10. Cawston, George (1896). *The Early Chartered Companies (A.D. 1296-1858)*, London & New York, Edward Arnold.

11. Couch, Jonathan S (2013). *Traders and New Ideas about the East: the British Levant Company and the Discourse on the Ottoman Empire, 1581-1774*, A Thesis Submitted for the Degree of Master of Arts, College Park, University of Maryland.

12. Curzon, George N (1892). *Persia and the Persian Question*, London, Spottiswoode and Co, Vol. 2.

13. Epstein, M (1908). *The Early History of the Levant Company*, London, George Routledge & Sons Limited.

14. Faroqhi, Suraiya N & Fleet, Kate (Editors),(2013). *The Cambridge History of Turkey*, Cambridge, Cambridge University Press, Vol. 2.

15. Fischer, David (1970). *The Development and Organization of English Trade to Asia: 1553-1605*, A Thesis Submitted for the Degree of Doctor of Philosophy, London, University of London.

16. Foster, William (1933). *Englands Quest of Eastern Trade*, London, A & C Black Ltd.

17. Holt, P. M & Lambton, Ann K. S. & Lewis, Bernard (Editors),(1970). *The Cambridge History of Islam*, Cambridge, Cambridge University Press, Vol. 1A.
18. Hughes, Charles (1903). *Shakespeares Europe: Unpublished Chapters of Fynes Morysons Itinerary*, London, Sherratt & Hughes.
19. Inalcik, Halil & Quataert, Donald (Editors),(1994). *An Economic and Social History of the Ottoman Empire, 1300-1914*, Cambridge. Cambridge University Press, Vol. 1.
20. Jenkinson, Anthony & other Englishmen (1886). *Early Voyages and Travels to Russia and Persia*, New York, Burt Franklin.
21. Jerkins, Jea (2012). "Islam in the Early Modern Protestant Imagination: Religious and Political Rhetoric of English Protestant-Ottoman Relations (1528-1588)," *Eras*, Edn 13, Issue 2, PP. 1-19.
22. Maclean, Gerald and Matar, Nabil (2011). *Britain and the Islamic World, 1558-1713*, New York, Oxford University Press.
23. Roy, Steven A (2012). *The Anglo-Ottoman Encounter: Diplomacy, Commerce, and Popular Culture, 1580-1650*, A Thesis Submitted for the Degree of Master of Arts in History, Santa Cruz, University of California.
24. Schulz, Zachary W (2018). *The English in the Levant: Commerce, Diplomacy, and the English Nation in the Ottoman Empire, 1672-1691*, A Dissertation Submitted for the Degree of Doctor of Philosophy, West Lafayette, Purdue University.
25. Subasl, Turgut (2002). "Anglo-Ottoman Relations Before the Tanzimat" *New Millennium Perspective in the Humanities*, PP. 202-230.
26. Waterfield, Robin E (2011). *Christians in Persia*, London & New York, Routledge.
27. Wood, Alfred C (1964). *A History of the Levant Company*, London, Frank Cass & Co Ltd.